

بررسی شخصیت شهید قاسم سلیمانی و نقش او در بازسازی عتبات عالیات

عبدالرحیم اباذری*

چکیده

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از روستای «قنات ملک»، از توابع شهر کرمان، برخاست. با پیروزی انقلاب اسلامی به سپاه آمد و در مدت کوتاهی به فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان منصوب شد. آن گاه از سوی رهبر معظم انقلاب، به فرماندهی نیروی قدس برون مرزی سپاه پاسداران منصوب شد. او توانست با مدیریت و درایت خود گروه «داعش» را در عراق و سوریه و منطقه ریشه کن کند.

یکی از برجسته ترین برکات حاج قاسم سلیمانی، نقش او در عرصه بازسازی و توسعه حرم امامان معصوم علیهم السلام در عتبات عالیات است؛ او مؤسس ستاد بازسازی عتبات عالیات بود و فعالیت بی نظیر این ستاد، جلوه ای از مدیریت جهادی او و همکاران مخلص وی در این ستاد بود است.

واژگان کلیدی: حاج قاسم سلیمانی، نیروی قدس، داعش، ستاد بازسازی عتبات.

۱. محقق و نویسنده حوزه علمیه قم.



سردار سلیمانی به رغم اینکه همواره مأمور به مسئولیت‌های دشوار نظامی و امنیتی بود، در بازسازی و توسعه حرم‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام در عتبات عالیات و حوزه فرهنگ نیز نقشی اثرگذار داشت. او نبوغ و استعداد و روح و جان لطیفی داشت و از وجودش خیرخواهی و محبت می‌جوشید و چنانچه صلابت و قاطعیتی هم داشت، آن را تنها در مقابل دشمنان اسلام بروز می‌داد. اخلاص در عمل - که از عبودیت و بندگی سردار سرچشمه می‌گرفت - او را در قله انسانیت نشانده و از وی انسانی ساخته بود که همواره برای پیوستن به لقای الهی در حال حرکت بود و در نهایت هم به مقصد، مقصود و معشوق خویش دست یافت و به ملکوت اعلی پیوست.

امیر مؤمنان علی علیه‌السلام در نامه ۳۸ نهج البلاغه، خطاب به مردم مصر در معرفی مالک اشتر می‌نویسند:

من بنده‌ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خواید و در لحظه‌های ترس از دشمن روی بر نمی‌گرداند؛ بر ستمکاران از شعله‌های آتش تندتر است. او شمشیری از شمشیرهای خداست که نه کند می‌شود و نه بی‌اثر می‌ماند. از وی پیروی کنید: اگر دستور حمله داد، حمله کنید و اگر به عقب‌نشینی امر کرد، مطیع باشید؛ چراکه وی در هر دو صورت بدون فرمان من عمل نمی‌کند. او را خیرخواه شما یافتم و قاطعیتش را در برابر دشمنانان پسندیدم.

حضرت در این نامه تاریخی از جمله اوصاف مالک اشتر را عبودیت و بندگی، مطیع محض ولایت، شدید و قوی نسبت به دشمن، و خیرخواه نسبت به امت می‌شمارد که امروز می‌توان این ویژگی‌ها را در سردار سلیمانی یافت. در این مقاله فقط از باب ادای دین به این سرباز مخلص ولایت و خادم واقعی امت، در کنار اشاره به حیات گهربار وی، به گوشه‌ای از برکات حیات او در تأسیس و فعالیت ستاد عتبات عالیات پرداخته می‌شود.

حیات درخشان سلیمانی

۱. زندگی سلیمانی

قاسم سلیمانی در سال ۱۳۳۵ در روستای قنات ملک، واقع در شهرستان رابر، از توابع کرمان به دنیا آمد. او دوران نوجوانی را به کارگری و بنایی مشغول بود و در کنار آن به تحصیلات ابتدایی و متوسطه ادامه داد. سپس به سازمان آب کرمان وارد شد و در آنجا به صورت پیمانکار خدمت خود را ادامه داد. او پس از پیروزی انقلاب، هم‌زمان با فعالیت در سازمان آب کرمان، به عضویت مجموعه‌ای به نام سپاه افتخاری درآمد که بعدها این مجموعه به سپاه پاسداران تغییر نام پیدا کرد. وی خرداد ۱۳۵۹ وارد سپاه شد. (مزدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۲)

سردار سلیمانی ابتدا به دلیل تجربه ورزش پرورش اندام، مدتی مربی پادگان آموزشی قدس کرمان شد و پس از شروع جنگ و حمله هواپیماهای عراقی به فرودگاه‌ها، مسئول حراست از هواپیماهای مستقر در فرودگاه کرمان گردید. سپس گردانی متشکل از نیروهای رزمی کرمان را تشکیل داد که کمی بعد به تیپ زرهی و نهایتاً به لشکر ۴۱ ثارالله تبدیل شد. او از ابتدای تشکیل این لشکر در سال ۱۳۶۱ تا رفتن به نیروی قدس در سال ۱۳۷۶ فرمانده این لشکر بود و در بسیاری از عملیات‌های سپاه در جنگ نقش کلیدی داشت. سلیمانی از فرماندهان عملیات‌های: والفجر هشت، کربلای چهار و کربلای پنج نیز بود. وی در عملیات مشترک ارتش و سپاه، به نام عملیات طریق القدس در غرب سوسنگرد، بر اثر انفجار گلوله خمپاره از دست راست و شکم به شدت مصدوم شد. دو انگشت وسط دست راست ایشان یادگار جراحت آن دوران بود. (همان، ص ۱۳؛ ویژه‌نامه چهلیم، ۱۳۹۸، ص ۳)

سال ۱۳۸۴ در منزل شهید محمدرضا عظیم‌پور وقتی که داماد بزرگ خانواده (جواد روح‌اللهی) از رهبر انقلاب درخواست می‌کند که ان شاءالله فردای قیامت همه ما را، که اینجا هستیم، شفاعت کنید، امام خامنه‌ای می‌فرماید:

ما چه کاره‌ایم که شما را شفاعت کنیم! پدر و مادر شهید باید من و شما را شفاعت کند..... ما سعادت‌مان به این است و آرزویمان به این است مشمول شفاعت خوبانی از قبیل این شهدا و امثال اینها باشیم.

بعد رهبر انقلاب خم می‌شوند و با نگاهی به حاج قاسم سلیمانی می‌گویند:

این آقای حاج قاسم هم از آنهایی است که شفاعت می‌کند ان شاءالله... [حاج قاسم سلیمانی سر پایین می‌اندازد و با دو دست صورتش را می‌پوشاند]. بله! از ایشان قول بگیرید؛ به شرطی که زیر قولشان نزنند! [همه می‌خندند؛ همه به جز سردار سلیمانی که خجالت‌زده سر به زیر انداخته]. چون امکانات ایشان، امکانات قول دادن و شفاعت کردنشان، الآن خیلی خوب است. (یعنی حالت مجاهدت او در جهاد اصغر و اکبر) اگر همین را بتواند نگه بدارند، مثل همین چهل، پنجاه سالی که نگه داشته‌اند، خیلی خوب است. این هم یک هنری است که ایشان دارند... (کریمانه، ۱۳۹۵، ص ۱۲۰)

سلیمانی ساده‌زیست بود و هیچ‌گاه از این خوی پسندیده دست نکشید؛ حجت الاسلام آقای علی شیرازی، نماینده ولی فقیه در سپاه قدس، درباره زندگی اقتصادی سلیمانی می‌گفت که او در دوران فعالیتش هیچ حق مأموریتی نگرفت و گاهی به من می‌گفت که من در خرج زندگی زن و بچه خود می‌مانم. حجت الاسلام مجید انصاری نقل کرد که سردار فاقد منزل مسکونی در تهران بود و تا آخر هم در خانه سازمانی سپاه، و بسیار ساده زندگی می‌کرد و اتاق پذیرایی ایشان به موزه شهدا بیشتر شبیه بود. فرزندان و داماد ایشان هم همین‌طور. اهل استفاده از رانت و چنین مسائلی نبودند. (حریم امام، ۱۳۹۸، ص ۱۳)

سلیمانی به شدت به رعایت حق الناس پایبند بود؛ سردار فلاح‌زاده، معاون هماهنگ‌کننده سپاه قدس و استاندار سابق یزد، در مسجد روضه محمدیه (حظیره) یزد گفت: «یک بار حاج قاسم، آن هم خصوصی، به من گفت: «تا کنون حتی یک قدم هم برای گرفتن پستی برنداشتم». با این وجود حاج قاسم در مقابل کاری که به او سپرده می‌شد بسیار مسئولیت‌پذیر و خستگی‌ناپذیر بود. چندین مرتبه حاج قاسم تا مرز شهادت پیش رفته بود و مورد هجوم مستقیم رگبار، انتحاری و قناصه دشمن قرار گرفته بود.

سردار سلیمانی برای صاحب منزلی که در عملیات آزادسازی بوکمال در دیرالزور سوریه، به عنوان مقر استفاده کرده بودند، نامه‌ای نوشت و در این نامه برای استفاده بدون اجازه از

خانه عذرخواهی کرد و گفت:

ما به اهل سنت در همه جا خدمات زیادی داده‌ایم. من شیعه هستم و شما سنی هستید. اما من هم به نوعی سنی هستم؛ زیرا به سنت رسول خدا ﷺ اعتقاد دارم و ان شاءالله در راه او حرکت می‌کنم... و شما هم به نوعی شیعه هستید؛ زیرا اهل بیت (علیهم‌السلام) را دوست دارید... اولاً از شما عذر می‌خواهم و امیدوارم عذر مرا بپذیرید که خانه شما را بدون اجازه استفاده کردیم؛ ثانیاً هر خسارتی که به منزل شما وارد شده باشد، ما آماده پرداخت آن هستیم. من در خانه شما نماز خواندم و دو رکعت نماز هم به نیت شما خواندم و از خداوند متعال خواستارم که عاقبت به خیر شوید. (کانال تلگرامی سردار سلیمانی)

۲. اندیشه‌های سلیمانی

سلیمانی معتقد بود:

اگر آرزوی شهادت دارید، اگر دوست دارید شهید شوید، اول باید شهیدانه زندگی کنید تا به آن مقام والای شهادت نائل شوید. مثالش مانند کسی است که اول باید علم بیاموزد، بعد تلاش کند، بعد عالم شود. پس شهادت تنها آرزو نیست که هر وقت خواستید به آن دست پیدا کنید؛ باید تلاش کنید، برای آن بجنگید آن هم با شیطان نفس. به خدا نزدیک شوید و درست عمل کنید تا به سرمنزل مقصود برسید. بله درست است! پس اول برای شهید شدن باید اعمال و زندگی‌مان رو درست کنیم تا به آن مقام والای شهادت، که عاقبت به خیری در دنیا و آخرت است، برسیم. (فایل صوتی و کانال تلگرام)

وی یک انقلابی راستین و واقعی بود و انصاف و اخلاق را حتی در مورد مخالفان رعایت می‌کرد. به فرموده رهبری، حاج قاسم یک مکتب بود و اخلاصش وی را محبوب دل‌ها کرد. حاج قاسم می‌گفت:

ما اگر ولایت فقیه نداشتیم، در همان روزهای اول انقلاب کارمان تمام بود. ما اگر ولایت فقیه نداشتیم، در همه این بحران‌ها کارمان تمام بود. این پاکستان را نگاه

کنید! این کشور دارای بمب هسته‌ای را چطور تحقیرش کردند؟! مجاله‌اش کردند؛ در هم شکستش! امام، اسلام‌شناس بزرگی بود و با دقت کانون‌های این حکومت را بر مبنای اسلام بنا گذاشت. بدون ولایت فقیه، حکومت اسلامی معنایی ندارد؛ به این دلیل فرمود پشتیبان ولایت فقیه باشید تا به کشور آسیبی نرسد. (همان، ص ۱۵۹)

وی در وصیتنامه‌اش - که در چهل‌م شهید انتشار یافت - از مسئولین خواست که پیرو ولایت فقیه باشند. بعد بسیار متواضعانه، محترمانه و مؤدبانه از مراجع عظام تقلید درخواست کرد که از اصل ولایت فقیه و شخص مقام رهبری حمایت جدی و مستمر داشته باشند. (جمهوری اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۶) حاج قاسم ذوب در ولایت بود و در اطاعت و ارادت به رهبری اندکی تردید و شک به دل راه نداد و به یقین، این رمز موفقیت و عاقبت به خیری او شد.

۳. برکات حیات حاج قاسم

با پایان یافتن جنگ ایران و عراق در سال ۱۳۶۷ شمسی، لشکر ۴۱ ثارالله، به فرماندهی سلیمانی، به کرمان بازگشت و درگیر جنگ با اشرا و قاچاقچیان مواد مخدر - که از مرزهای شرقی کشور هدایت می‌شدند - گردید. قاسم سلیمانی به مدت نه سال این مسئولیت خطیر را عهده‌دار بود. وی در ضمن آن، مسئول تأمین امنیت شرق کشور نیز بود. وی در آن دوران، طی ابتکار عملی که از خود به یادگار گذاشت، به اشرا منطقه امان‌نامه داد و آنجا را پاکسازی و اشرا را مجبور به تسلیم کرد. به خاطر اینکه به اشرا امان‌نامه داده بود، حتی وقتی آنها به دادگاه



می‌رفتند نیز پیگیری می‌کرد که کارهای قضایی صورت نگیرد و اگر هم اتفاق می‌افتاد، تلاش می‌کرد که آنها تبرئه شوند و مشکلی برای آنها ایجاد نشود. (افضلی، ۱۳۹۸)

شهید حاج قاسم در این مورد خاطره شنیدنی دارد و چنین نقل می‌کند:

یکی از اشرار بزرگ سیستان و بلوچستان را - که سال‌ها به دنبالش بودیم و هم در مسئله قاچاق مواد مخدر خیلی فعالیت می‌کرد و هم تعداد زیادی از بچه‌های ما را شهید کرده بود - با روش‌های پیچیده اطلاعاتی برای مذاکره به منطقه خاصی دعوت کردیم و پس از ورود آنها به آنجا او را دستگیر کردیم و به زندان انداختیم. خیلی خوشحال بودیم. او کسی بود که حکمش مثلاً پنجاه بار اعدام بود. در جلسه‌ای که خدمت مقام معظم رهبری رسیده بودیم، من این مسئله را مطرح کردم و خبر دستگیری و شرح ما وقع را به ایشان گفتم و منتظر عکس‌العمل مثبت و خوشحالی ایشان بودم. رهبری بلافاصله فرمودند: «همین الآن زنگ بزنی آزادش کنند!» من بدون چون و چرا زنگ زدم؛ اما بلافاصله با تعجب بسیار پرسیدم: «آقا چرا؟ من اصلاً متوجه نمی‌شوم که چرا باید این کار را می‌کردم؟ چرا دستور دادید آزادش کنیم؟» رهبری گفتند: «مگر نمی‌گویی دعوتش کردیم؟» بعد از این جمله من خشکم زد. البته ایشان فرمودند: «حتماً دستگیرش کنید» و ما هم در یک عملیات سخت دیگر دستگیرش کردیم. مرام شیعه این است که کسی را که دعوت می‌کنی و مهمان تو است، حتی اگر قاتل پدرت هم باشد، حق نداری او را آزار بدهی». (مزدآبادی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۲)

سردار قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶، با حکم رهبری، هم‌زمان با اوج‌گیری طالبان در افغانستان، به فرماندهی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شد. او با تجربه‌ای که از جنگ داخلی کردستان داشت، گزینه‌ای مناسب برای این مسئولیت خطیر بود؛ چون بنا بود در افغانستان عصر طالبان، که درگیر جنگ‌های داخلی بود، وارد عمل شود. از همه مهم‌تر اینکه سلیمانی در هشت سال جنگ با عراق و نیز مبارزه با باندهای مواد مخدر در مناطق مرزی ایران و افغانستان تا پیش از انتصابش به فرماندهی سپاه قدس، تجربه زیادی اندوخته

بود. او در چهارم بهمن ۱۳۸۹ درجه سرلشکری خود را از رهبری دریافت کرد و معظم له در تقدیرش، حاج قاسم را «شهید زنده» نامید. (ویژه‌نامه چهل‌م، ص ۳)

یکی از کشورهای مهمی که به دلیل اشتراکات مذهبی، فرهنگی و زبانی همیشه برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بوده، کشور افغانستان است. بنابراین نیروی قدس سپاه با پی بردن به این اهمیت و رنج و مشقت‌هایی که مسلمانان افغانستانی متحمل می‌شدند، به یاری‌رسانی به آنها اقدام کرد.

درگیری نیروهای قدس سپاه پاسداران از سال‌های هجوم شوروی سابق در منازعه مسلحانه افغانستان در اوایل دهه ۱۹۸۰ شروع شد. یکی از نخستین کارهای بزرگ نیروی قدس سپاه پاسداران، ایجاد گروه‌های مجاهد شیعی به نام احزاب هشت‌گانه بود که بعدها زیر پرچم حزب وحدت اسلامی [افراد برجسته‌ای مانند عبدالعلی مزاری، برهان‌الدین ربانی و احمد شاه مسعود] ائتلاف کردند؛ اما با توجه به جمعیت عمدتاً سنی‌مذهب افغانستان، نیروهای قدس به شیعیان افغانستان اکتفا نکردند و رابطه تنگاتنگ خود را با گروه‌های سنی گسترش دادند. جمعیت اسلامی افغانستان، به رهبری برهان‌الدین ربانی، رئیس‌جمهور فقید این کشور و احمد شاه مسعود، فرمانده معروف مجاهدین، روابط دیرینه‌ای با بخش برون‌مرزی سپاه پاسداران داشته است. در این میان سردار سیدحسین موسوی، فرمانده قرارگاه انصار، سردار اسماعیل قآنی و سردار حاج قاسم سلیمانی، از نام‌های آشنا در میان نظامیان افغانستانی هستند. (خبر آنلاین، ۱۳۹۸)

افغانستان همیشه یکی از میدان‌های نبرد خارجی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. سردار سلیمانی، که از همان ابتدا توجه خاصی به همسایه شرقی ایران داشت، با سرنگونی نظام تحت حمایت شوروی و پیروزی مجاهدین، رفت‌وآمد به مناطق مختلف افغانستان را شروع کرد؛ اما طولی نکشید که طالبان بر بخش اعظم کشور چیره شد و سپاه قدس، تحت فرمان سلیمانی، از جناح مقاومت به رهبری احمد شاه مسعود حمایت کرد. با سقوط کابل به دست طالبان، مرکز مقاومت در شمال افغانستان در پنجشیر شکل گرفت و سلیمانی میهمان

افغانستانی‌ها بود. (همان)

از جمله نقاط درخشان فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بر نیروی قدس، تقویت حزب‌الله لبنان و گروه‌های مبارز فلسطینی بود که نمود عینی آن را در نبردهای متعددی از جمله جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و رژیم صهیونیستی و پیروزی مبارزان فلسطینی در جنگ ۲۲ روزه غزه علیه ارتش مجهز اسرائیل مشاهده شد. در واقع حاج قاسم سلیمانی توانست استراتژی جمهوری اسلامی، یعنی کمک به گروه‌های مبارز علیه اسرائیل را به خوبی دنبال کند و هر روز در این مسیر گام‌های دیگری بردارد. شاید یکی از اهداف اصلی دشمنان برای سقوط سوریه، قطع کردن ارتباط ایران و حزب‌الله لبنان بود؛ ولی با شکست داعش و نقش‌آفرینی نیروی قدس در سوریه و عراق، یک حلقه مستحکم به نام حلقه مقاومت تشکیل شد و زنجیره ایران، عراق، سوریه، لبنان و فلسطین را به هم متصل کرد. از سوی دیگر حضور فرمانده نیروی قدس سپاه در جنگ ۳۳ روزه لبنان با رژیم صهیونیستی، از نقاط دیگر مهم و عملیاتی این نیرو در چند دهه گذشته است. (ویژه‌نامه چهلم، ص ۳)

سیدحسن نصرالله در این مورد می‌گوید:

آشنایی من با حاج قاسم به سال ۱۹۹۲ میلادی برمی‌گردد. هنگامی که حاج قاسم فرمانده نیروی قدس شد، به لبنان آمد... ایشان منتظر نشدند ما به ایران برویم و به او تبریک بگوییم؛ خودش به لبنان آمد و با رهبران مقاومت روابط ویژه‌ای را پایه‌گذاری اساسی کرد؛ خیلی سریع با ما خودمانی شد؛ خیلی سریع عربی یاد گرفت... همیشه با شادی ما شاد، و با ناراحتی ما ناراحت می‌شد؛ رابطه‌اش با ما این گونه بود. واقعاً این روابط یک نمونه برجسته است. یکی از دلایل پیشرفت کمی و کیفی مقاومت حزب‌الله پیگیری‌های جدی حاج قاسم بود؛ حاج قاسم اولین شریک این پیروزی‌ها بود. لبنان زیر آتش و بمباران است! ولی او گفت: «نمی‌توانم شما را تنها بگذارم». تمام روزهای جنگ را حاج قاسم در کنار ما بود... او زیر بمباران و موشک‌باران در کنار ما بود؛ می‌توانست جاهای امن برود، می‌توانست برود تهران

و از آنجا با ما مرتبط می‌بود؛ ولی او در کنار ما و در اتاق عملیات ما بود. او به من می‌گفت: «سیدجان! یا با شما زنده می‌مانم یا شهید می‌شوم؛ تا پایان جنگ ۳۳ روزه با ما بود». (کانال تلگرامی سردار سلیمانی، ۱۳۹۸)

علاوه بر این به گفته یکی از مقامات ارشد حماس، سردار شهید سلیمانی و شهید عماد مغنیه، فرمانده فقید نظامی حزب‌الله لبنان، مبتکر ایجاد تونل در نوار غزه برای ارتباط با خارج این منطقه بودند و حتی به گفته سامی ابوزهری، یکی از مقامات حماس سردار سلیمانی بارها به غزه سفر کرده بود. (همان)

۴. نبرد با داعش و نابودی آن

نیروی قدس سپاه به فرماندهی سردار رشید اسلام، حاج قاسم سلیمانی، قهرمان جنگ علیه داعش و نماد مبارزه علیه تروریسم در سوریه و سرتاسر منطقه است. داعش، که رؤیای خلافت از شام تا خراسان را در سر می‌پروراند، با سد محکمی به نام نیروی قدس سپاه روبه‌رو شد. سپاه قدس در شرایط بسیار دشوار عراق و سوریه به یاری طیف‌های مختلف مردم این دو کشور - یعنی کردها، شیعیان و سنی‌ها - شتافت و مانع پیشرفت داعش شد. به رغم اختلافات سیاسی جاری در عراق و سوریه و نیز وجود نگرش‌های مختلف، حاج قاسم سلیمانی و نیروی قدس سپاه از مقبولیت، محبوبیت و احترام بالایی برخوردار است که پیام تسلیت همه گروه‌های سیاسی عراق و سوریه، اعم از شیعه و سنی و کُرد، و حضور پرشور مردم عراق در تشییع پیکر مطهر سردار سلیمانی و حضور برخی مراجع و روحانیان بلندپایه نجف و کربلا در مراسم بزرگداشت این شهید بزرگوار و ابومهدی المهندس، دلایلی برای اثبات این مدعا محسوب می‌شوند. (خبر آنلاین، ۱۳۹۸)

پس از یورش داعشیان در ژوئن ۲۰۱۴ (خرداد ۱۳۹۳) به شمال عراق و اشغال برخی از شهرهای این کشور، از جمله موصل و تکریت و از هم پاشیده شدن ارتش عراق و ناتوانی نیروهای مسلح این کشور در نبرد با داعش، روزنامه ساندی تایمز انگلیس، والداستریٹ ژورنال و نیویورک تایمز مدعی شدند ایران فرماندهی ارتش از هم فروپاشیده عراق را برعهده گرفته

تا با نیروهای گروه تروریستی داعش مقابله کند. قاسم سلیمانی، فرمانده سپاه قدس ایران، به درخواست مسئولان عراقی عملیات دفاع از بغداد را، در مقابل حملات تروریستی داعش، فرماندهی می‌کرد. سلیمانی با ۶۷ مشاور ارشد خود به عراق سفر کرد و فرماندهی عملیات‌ها را برعهده گرفت و بر استقرار نیروهای عراقی و برنامه‌ریزی برای عملیات، نظارت داشت. در مدت حضورش در عراق نسبت به آزادسازی مناطقی مانند تکریت، جرف الصخر، موصل و حفظ و حراست از شهرهای سامرا و کربلا از چنگ داعش و جلوگیری از سقوط شهر اربیل، نقش محوری داشت. (ویژه‌نامه چهلم، ص ۳)

حاج قاسم در مسائل عراق مشاوری امین برای دولت بود و مسئولان دولتی با اعتمادی که به وی داشتند، همواره با ایشان در ارتباط بودند؛ امیر عبداللهیان در این مورد می‌گوید:

من با سردار سلیمانی و تیمی که در حوزه سیاست خارجی و امنیتی کشور فعالیت می‌کنند، از سال ۷۰، ۷۱ که وارد وزارت خارجه شدم، ارتباط داشتم که به تحولات عراق و ارتباط سردار سلیمانی با پرونده عراق، همچنین ارتباط مستقیم بخش‌های سیاسی - امنیتی کشورمان با تحولات عراق برمی‌گردد. در موضوعات حساس امنیتی - سیاسی، هر زمان که در وزارت خارجه می‌خواستیم به مذاکره‌ای دوجانبه یا چندجانبه برای سوریه، عراق و راجع به مسائل اساسی منطقه بروم، پس از برگزاری جلسات کارشناسی با مدیران و کارشناسان سیاسی، بین‌المللی، حقوقی وزارت خارجه و اخذ راهبردها از دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی، حتماً اول با وزیر خارجه صحبت می‌کردم. سپس در موضوعاتی که در حوزه سردار سلیمانی بود، نظر سردار سلیمانی را می‌گرفتم و در جریان آخرین تحولات قرار می‌گرفتم و از مشورت‌های ایشان استفاده می‌کردم. (عبداللهیان، ۱۳۹۸)

کمک به نیروی کردستان عراق برای مبارزه با داعش هم نقطه مهمی در کمک‌های عملیاتی نیروی قدس به دیگر مبارزان علیه نیروهای تکفیری است. به نقل از رسانه‌های اقلیم کردستان عراق، در مردادماه ۱۳۹۳، سلیمانی نسبت به حمله داعش به اربیل هشدار می‌دهد. به دنبال

یورش داعش در ۱۶ مرداد ۱۳۹۵، بارزانی از آمریکا و ترکیه تقاضای کمک می‌کند. دو روز بعد، جنگنده‌های آمریکایی در اربیل به پرواز درمی‌آیند. این در حالی است که ۴۸ ساعت قبل از پیوستن جنگنده‌های آمریکایی به عملیات دفاع از اربیل، یگانی از نیروهای ویژه به فرماندهی سلیمانی و بنا به درخواست شخص بارزانی در کنار پیشمرگان گُرد در حال نبرد با داعش بودند. (خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۳۹۶) در این مورد وقتی خبرنگار از بارزانی می‌پرسد: «ما می‌دانیم که اربیل به دست داعش در حال سقوط بود؛ چه اتفاقی افتاد که داعش نتوانست وارد شهر شود؟» بارزانی در جواب می‌گوید:

بله همه می‌دانند که داعش به دروازه‌های اربیل رسیده بود و بیم آن می‌رفت که شهر به زودی اشغال شود. من پس از حمله داعش با آمریکایی‌ها، ترک‌ها، انگلیس، فرانسه و حتی عربستان تماس گرفتم که همه مقامات این کشورها در جواب گفتند که فعلاً هیچ کمکی نمی‌توانند بکنند.

وی افزود:

فوراً با مقامات ایرانی تماس گرفتم و به آنها صریحاً گفتم که شهر در حال سقوط است؛ اگر نمی‌توانید کمکی کنید، ما شهر را تخلیه می‌کنیم؛ مقامات ایرانی فوراً شماره تماس سردار سپهبد شهید سلیمانی را به من دادند و گفتند حاج قاسم نماینده تام‌الاختیار ما در امور مبارزه با داعش است؛ فوری با حاج قاسم تماس گرفتم و اوضاع را دقیق شرح دادم. حاج قاسم به من گفت: «من فردا صبح، بعد از نماز صبح، اربیل هستم». به او گفتم فردا دیر است؛ همین حالا بیایید. حاجی گفت: «کاک مسعود فقط امشب شهر را نگهدار». فردا صبح حاج قاسم در فرودگاه اربیل بود و من به استقبالش رفتم. حاجی با پنجاه نیرو آمده بود. آنها سریعاً به محل درگیری رفتند و نیروهای پیشمرگه را سازماندهی دوباره کردند و در عرض چند ساعت ورق به نفع ما برگشت. در ضمن کمک‌های تسلیحاتی ایران نیز به ما رسید. حاج قاسم چند نفر از نیروهای خود را برای مشاوره نظامی در اربیل گذاشت و خودش

به کربلا بازگشت.

بارزانی اضافه کرد:

بعدها که یک فرمانده داعش را اسیر کردیم و از او پرسیدیم چگونه شد شما که در حال فتح اربیل بودید، به یک باره عقب نشستید، این اسیر داعشی گفت: «نفوذی‌های ما در اربیل به ما خبر دادند قاسم سلیمانی در اربیل است؛ لذا روحیه افراد ما بهم ریخت و عقب نشستیم».

به دنبال دفع خطر داعش، مسعود بارزانی شخصاً یک نامه تشکر برای ریاست جمهوری ایران با این مضمون فرستاد که ایران بار دیگر در سخت‌ترین شرایط به دفاع از اقلیم کردستان عراق برخاسته است. (همان)

نیروی برون‌مرزی قدس، به فرماندهی حاج قاسم، اگر چه حضور مستقیم در مبارزه جبهه مقاومت یمن با ائتلاف عربی-سعودی ندارد، اما بنا بر درخواست انصارالله، کمک مستشاری به انصارالله یمن ارائه می‌دهد؛ به همین سبب وی در میان مجاهدان و مبارزان یمنی جایگاه والایی را به خود اختصاص داده بود.

نیروی قدس سپاه با اشراف کامل به وضعیت سیاسی، اقتصادی و امنیتی حاکم بر پاکستان و تأثیرگذاری این کشور بر امنیت مرزهای شرقی ایران، برای مبارزه با گروهک‌های تکفیری، قاقاچیان و تروریست‌های تحت حمایت عربستان و برای تأمین امنیت مرزهای کشورمان و حمایت از شیعیان پاکستان، فعالیت جدی داشت. از این رو محبوبیت نیروی قدس و حاج قاسم در میان شیعیان پاکستان به قدری است که پاکستانی‌ها در مبارزه با داعش حاضر شدند تحت حمایت نیروی قدس از حریم اهل بیت (علیهم‌السلام) در عراق دفاع کنند. گردان «زینبیون» گروه نظامی سازماندهی شده از داخل ایران برای جنگ در سوریه است که اعضای آن را شیعیان پاکستانی مقیم ایران و پاکستان تشکیل داده‌اند. این گردان پس از حمله گروهک تروریستی «داعش» به عراق و با حمایت نیروی «قدس» سپاه راه‌اندازی شد. (همان)

در روز پنجشنبه ۳۰ شهریور ۱۳۹۶ قاسم سلیمانی طی سخنرانی در مراسم چهلمین روز

شهادت مرتضی حسین‌پور شلمانی با یادآوری پیامش به مناسبت کشته شدن محسن حججی و وعده انتقام در آن، بیان داشت که «کمتر از سه ماه دیگر اعلام پایان داعش و حکومت داعشی در این کره خاکی خواهد بود. دو ماه بعد و در ۳۰ آبان ۹۶، سلیمانی در پیامی به محضر رهبر معظم انقلاب، با اشاره به «اتمام عملیات آزادسازی بوکمال از سرنگونی و پایان حیات سیاسی داعش خبر داد و آن را به عنوان یک «پیروزی بسیار بزرگ و سرنوشت‌ساز» به رهبری تبریک گفت. سردار سلیمانی در این پیام با «آمریکایی - صهیونیستی» خواندن داعش، خسارت‌های ناشی از عملیات این گروه در عراق و سوریه را پانصد میلیارد دلار برآورد کرد و «طراحی و اجرای» آنها را به «رهبران و سازمان‌های مرتبط با آمریکا» نسبت داد. (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۸)

رهبر معظم انقلاب نیز با ارسال نامه‌ای به سلیمانی، ضمن تبریک به وی، گفت: شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید. (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۸)

سپس در ۱۹ اسفند ۱۳۹۷، رهبر معظم انقلاب نشان ذوالفقار را به قاسم سلیمانی تقدیم کرد. وی اولین فرماندهی بود که در طول پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این نشان را دریافت می‌کرد. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

۵. شهادت سلیمانی

سرانجام سردار سلیمانی به همراه ابومهدی المهندس و چند نفر از همراهان، روز سیزدهم دی‌ماه ۱۳۹۸، هنگام ورود به عراق و زمانی که با دو خودرو از فرودگاه بین‌المللی بغداد می‌خواستند خارج شوند، هدف بالگردهای آمریکایی قرار گرفتند و به شهادت رسیدند. در پی شهادت سردار دل‌ها و همراهان ایشان، رهبر معظم انقلاب طی پیام مهمی خطاب به ملت ایران از سردار چنین یاد کردند:

سال‌ها مجاهدت مخلصانه و شجاعانه در میدان‌های مبارزه با شیاطین و اشرار عالم و

سالها آرزوی شهادت در راه خدا، سرانجام سلیمانی عزیز را به این مقام والا رسانید و خون پاک او به دست شقی‌ترین آحاد بشر بر زمین ریخت. این شهادت بزرگ را به پیشگاه حضرت بقیةالله ارواحنا فداه و به روح مطهر خود او تبریک و به ملت ایران تسلیت عرض می‌کنم. او نمونه برجسته‌ای از تربیت‌شدگان اسلام و مکتب امام خمینی بود؛ او همه عمر خود را به جهاد در راه خدا گذراند. شهادت پاداش تلاش بی‌وقفه او در همه این سالیان بود. با رفتن او به حول و قوه الهی کار او و راه او متوقف و بسته نخواهد شد؛ ولی انتقام سختی در انتظار جنایتکارانی است که دست پلید خود را به خون او و دیگر شهدای حادثه دیشب آلودند. شهید سلیمانی چهره بین‌المللی مقاومت است و همه دل‌بستگان مقاومت خونخواه اویند. همه دوستان - و نیز همه دشمنان - بدانند خط جهاد مقاومت با انگیزه مضاعف ادامه خواهد یافت و پیروزی قطعی در انتظار مجاهدان این راه مبارک است. فقدان سردار فداکار و عزیز ما تلخ است، ولی ادامه مبارزه و دست یافتن به پیروزی نهایی کام قاتلان و جنایتکاران را تلخ‌تر خواهد کرد. ملت ایران یاد و نام شهید عالی‌مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی و شهدای همراه او، به ویژه مجاهد بزرگ اسلام جناب آقای ابومهدی المهندس، را بزرگ خواهد داشت. (خامنه‌ای، ۱۳۹۸)

ستاد بازسازی عتبات

۱. تأسیس ستاد

سردار قاسم سلیمانی پس از سرنگونی صدام در کنار فعالیت‌های خود در جهت ایجاد رفاه و امنیت مردم عراق، به تأسیس ستاد بازسازی عتبات اقدام کرد و در این مسیر خدمات شایسته‌ای داشت؛ به گونه‌ای که نه تنها حرم‌های مطهر ائمه معصومین علیهم‌السلام در عراق توسعه یافت، بلکه برنامه‌های بازسازی این حرم‌ها توسط مهندسان و کارگران ایرانی در قالب ستاد بازسازی عتبات همچنان ادامه پیدا کرد. آقای یوسف افضلی، معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات در این باره می‌گوید:

زمانی که مسئولیت بازسازی عراق را به حاج قاسم دادند، پس از تشریف به نجف اشرف تصمیم می‌گیرد که حرم امیرالمؤمنین علیه السلام را زیارت کند. تعریف می‌کرد که وقتی سمت حرم می‌رود، در حرم بسته بود و با پیگیری خدام در را باز کردند و وارد حرم می‌شود. وقتی سمت ضریح می‌رود، می‌بیند روی ضریح گرد و غبار است. دلش می‌شکند و با دیدن این غربت تصمیم می‌گیرد که ستاد بازسازی عتبات را راه‌اندازی کند. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۸).

سردار سلیمانی خود در این باره چنین گزارش می‌دهد:

زمانی که جنگ اول نجف اتفاق افتاده بود، من آنجا بودم. در نجف زائری نبود و شاید مجموعه آدم‌هایی که در روز در حرم بودند، در شلوغ‌ترین وضعیت به سی نفر نمی‌رسید. کاملاً یک حالتی احساس می‌شد که ضریح این حرم از زیر خاک بیرون آمده؛ مثل دوره‌ای که گفته می‌شود امام صادق علیه السلام، حرم امیرالمؤمنین علیه السلام را نشان دادند و نمایان کردند. چنین حالتی در نجف و کربلا بود! فضای متروکه و گردگرفته، غیرمناسب با چنین جایگاه و مقامی بود. در آن موقع ما به فکر این افتادیم ستادی را راه‌اندازی کنیم که این ستاد (ستاد بازسازی عتبات) راه افتاد و با حرکت‌های بعدی و نمایاندن بعضی از اقدامات و باز شدن راه و حرکت مردم به سمت کربلا، نجف و این اواخر به سامرا و کاظمین، دل‌های مردم بیشتر به این حجم تحرک با همت شما شوق گرفت. یک تحرک شگرف‌تری رخ داد و مردم هم اعتماد کردند و کارهای بزرگتری اتفاق افتاد. اگر بخواهم در چند جمله ماندگار این عمل را تعریف کنم، به چند نکته باید اشاره کنم که به آن اعتقاد دارم: اولاً اقدامی که در اینجا یعنی ستاد با برکت صورت گرفت، یک عمل کوثرانه را انجام داد؛ یک صدقه فوق‌العاده جاریه. لذا مهم‌ترین کار این ستاد، این است که ماندگارترین کار تاریخ انقلاب را در عراق به یادگار گذاشت. ما عملی ماندگارتر از این در خارج از کشور در بُعد معنوی [نداریم]. قلب همه تشیع و حتی سنی در عشق به امام

حسین علیه السلام [می‌تپد]، آن قدر دیده‌ام کسانی که در وجودشان عشق به امام حسین علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام شعله‌ور است که یقیناً نه تنها از برخی از شیعیان کمتر نیست، یقیناً از برخی شیعیان فزونی دارد. ستاد کاری کرد که ایران همزمان با دیدن و بوسیدن ائمه معصومین علیهم السلام و عتبات مقدسه در عراق، ایران هم دیده شود. نکته بعدی ستاد مردمی‌ترین عملی بود که در یک چارچوب انقلابی در چند سطح متفاوت از هم، توانست ترکیب مقدس و مهم را ایجاد کند. کنار مرقد مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام، اولین بار نام زیبایی صحن مطهر فاطمه علیها السلام اتصال به (حرم) علی بن ابی طالب علیه السلام پیدا کرد. این ستاد حقیقتاً نماد، شعله و شعبه‌ای از آن کوثر الهی است. هر عمل مخلصانه‌ای همین کوثر است. شاید به اندازه عمر کارهای صورت گرفته، کار باقی مانده مهم وجود داشته باشد. من از آرزوهایم این بوده و نمی‌دانم تحقق پیدا می‌کند یا نمی‌کند؛ اما با همت ملت ایران قابل تحقق است. با پیگیری و همت این ستاد قابل تحقق است و آن خارج کردن همیشگی سامرا از غربت است. (فایل صوتی حاج قاسم، ۱۳۹۸)





۲. نظارت و مدیریت باسازی

با شکل گیری ستاد بازسازی عتبات، و با کمک‌های مردمی، ۱۵۰ پروژه بازسازی و مرمت در حرم ائمه اطهار علیهم‌السلام انجام شده است؛ آقای یوسف افضلی، معاون ستاد بازسازی عتبات عالیات، ضمن اشاره به این حجم از فعالیت‌ها، می‌گوید:

احداث صحن حضرت زهرا علیها‌السلام با متراژ ۲۲۰ هزار متر مربع و صحن حضرت زینب علیها‌السلام با متراژ ۱۳۵ هزار متر مربع، توسعه حرم کاظمین و این اواخر توسعه حرم سامرا از جمله طرح‌های ستاد بازسازی عتبات در عراق به شمار می‌رود. حدود بیست روز پیش از شهادت سردار سلیمانی، در جمع خانوادگی که بودیم، با توجه به وضعیت عراق از ایشان پرسیدم که با این اوضاع عراق باید چه کنیم؟ ایشان گفت: «یک روز هم نباید این اقدامات تعطیل شود. این کار برای اهل بیت علیهم‌السلام است و ماندگارترین کار این است که توسعه و بازسازی حرم‌ها ادامه

یابد و برای حضور زائران آماده شود؛ به ویژه برای اربعین که آغاز تمدن اسلامی

به شمار می‌رود». (افضلی، ۱۳۹۸)

۳. گستره فعالیت‌ها

حاج قاسم در عتبات فقط به توسعه فیزیکی و ساختمان‌سازی متمرکز نبود، بلکه در پوشش ستاد بازسازی عتبات به مسائل عمیق فرهنگی فکر می‌کرد و برنامه درازمدت داشت. او در اولین قدم سعی و تلاش داشت که میان مردم ایران و عراق ارتباط معنوی و الهی برقرار بکند. بعد از سقوط صدام، بلافاصله ستادی تحت عنوان «پشتیبانی از مردم مظلوم عراق» تشکیل داد و حدود چهارده هزار عراقی را - که صدام اخراج کرده و در زمان جنگ در ایران به سر می‌بردند - به وطن خود برگرداند و در شهرهای مختلف عراق اسکان داد. حاج قاسم در یک فراخوانی اعلام کرد: هر راننده‌ای آمادگی دارد که وسائل زندگی اینها را به همراه خانواده به عراق منتقل کند، در قبال آن می‌تواند به صورت رایگان به زیارت عتبات عالیات مشرف شود. به دنبال آن حدود ۴۵ هزار راننده وانت‌بار نیشان اعلان آمادگی کردند و داوطلب شدند و از طریق این برنامه همه آنان جابه‌جا شدند. (مستند حکمت) حاج قاسم در تحکیم این ارتباط می‌گفت: «باید همه عراقی‌ها فارسی یاد بگیرند و همه ایرانیان نیز آموزش زبان عربی ببینند تا بدین وسیله بهتر بتوانند همدیگر را درک بکنند و یکی بشوند»؛ از جمله معتقد بود برای اینکه روابط تجاری دو کشور بهبود یابد و تقویت بشود، باید در عراق کالاهای ایرانی وجود داشته باشد. (همان)

از جمله فعالیت‌های مهم و سرنوشت‌ساز حاج قاسم در عراق، راه‌اندازی، توسعه و سازماندهی مراسم با شکوه پیاده‌روی از نجف به کربلا بود. همان طوری که می‌دانید پیش‌تر این مراسم تنها با حضور مردم عراق و با تعداد اندکی انجام می‌گرفت؛ ولی با مدیریت و نگاه کلان وی، مردم ایران نیز به این مراسم اضافه شدند و جمعیت میلیونی تشکیل دادند؛ سپس در ادامه همین سیاست سلیمانی، شیعیان دیگر کشورها - مانند، لبنان، سوریه، هندوستان، پاکستان، کشمیر و حتی برادران اهل سنت و مسیحیان - نیز

حضور پیدا کردند و همه اینها در سایه مدیریت و هدایت ستودنی و کلان‌نگری ایشان به این پدیده مبارک بود.

۴. آینده ستاد

سردار سرافراز حاج قاسم سلیمانی، ستاد بازسازی عتبات را یک عمل کوثرانه و صدقه جاریه می‌دانست و ارزش زیادی برای آن قائل بود. (خبرگزاری فارس، ۶ / ۱۱ / ۱۳۹۸). او به ستاد بازسازی نگاه کلان دینی، فرهنگی و انقلابی داشت. به پیشنهاد برخی همکاران و با موافقت ایشان، بندهایی در اساسنامه ستاد گنجانده شده بود که در آینده هر کجا نیازی به نیروهای ستاد شد بی‌درنگ وارد شود و در خدمت مردم مستضعف در ایران و خارج ایران باشد؛ چنان که در ماجرای سیل مناطق آق‌قلا و خوزستان، حاج قاسم علاوه بر نیروهای ستاد، حتی برادران حشد الشعبی را در جهت کمک به سیل‌زدگان بسیج کرد و خودش هم هدایت و مدیریت آن را بر عهده گرفت.

نتیجه‌گیری

زندگی سراسر شور و نشاط و تحرک و تعهد سردار سلیمانی نشان می‌دهد که هر انسانی می‌تواند از صفر شروع کند و به رشد و تعالی برسد و قله‌های انسانیت و خدمت به مردم را یکی پس از دیگری به تسخیر خود در آورد. در زندگی این شهید بزرگ اخلاص، تعهد، ولایت‌پذیری محض، نقش تعیین‌کننده دارد و رمز موفقیت به شمار می‌آید؛ به علاوه صدق و صداقت - که مادر همه آن فضائل اخلاقی است و خصایص پیشین از این ریشه می‌گیرد - در وجود حاج قاسم موج می‌زد و توانست او را به سردار دل‌ها تبدیل کند و به اوج رساند؛ به همین سبب او یک مکتب شد که باید برای ترویج این مکتب تلاش کرد.

فهرست منابع

۱. افضلی، یوسف (۱۳۹۸)، پایگاه اطلاع‌رسانی خبرگزاری فارس. ۱۳۹۸/۱۱/۶.
۲. خامنه‌ای، سیدعلی، پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. ۱۳۹۸/۱۱/۱۸. بیانات در جمع مردم قم.
۳. خبرگزاری خبر آنلاین (۱۳۹۸)، سردار سلیمانی؛ جوان ۲۳ ساله‌ای که «ژنرال بی سایه» خاورمیانه شد، ۱۳۹۶/۹/۲.
۴. خبرگزاری خبر آنلاین (۱۳۹۸)، مروری بر فعالیت‌های نیروی قدس سپاه و سردار سلیمانی؛ از بوسنی تا سوریه، ۹۸/۱۱/۱.
۵. روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه، ۱۳۹۸/۱۱/۲۶، شماره ۱۱۶۵۳.
۶. مزدآبادی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، ذوالفقار، برش‌هایی از خاطرات شفاهی شهید حاج قاسم سلیمانی، تهران، یا زهران (ع)، چاپ ششم.
۷. عبداللهیان، امیر، خبرگزاری دانشجویان ایران، (ایسنا) ۱۳۹۸/۱۰/۲۹.
۸. قهرمان جهاداکبر (۱۳۹۸)، ویژه‌نامه چهلمین روز شهادت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، روزنامه جمهوری اسلامی، یکشنبه ۲۰ بهمن ۱۳۹۸، شماره ۱۱۶۴۹، سال چهل و یکم.
۹. کریمانه، روایت حضور مقام معظم رهبری در منازل شهدای استان کرمان، انتشارات صهبا، چاپ دوم، فروردین ۱۳۹۶.
۱۰. مستند حکمت سلیمانی، پخش شده در شبکه سه صدا و سیما، سوم اسفند ۱۳۹۸.
۱۱. هفته‌نامه حریم امام، سال هشتم، شماره ۴۰۷، ۱۳۹۸/۱۱/۱۰.